

ارتباط عاشورا و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

«این الطالب بدم المقتول بکربلاء»

کجاست آن کسی که خون شهید کربلا را انتقام کشد...

این فرازی از دعای ندبه است که شیعه با خواندنش، از اطاله غیبت ناله سر می‌دهد و تعجیل در ظهور را فریاد می‌کند. چرا که پایان سفر حسین علیه السلام را در ظهور مهدی علیه السلام می‌جوید و از ظلمی که بی‌جواب مانده، شکایت به امام عصر علیه السلام خود می‌برد. اما، ارتباط روز عاشورا و ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ این سؤالی است که قصد داریم در این مقاله به آن بپردازیم. برای یافتن پاسخ آن، با ما همراه باشید.

فرهنگ عاشورا

عاشورا، فقط یک روز و یک حادثه نبوده و نیست. عاشورا یک فرهنگ است. فرهنگ ایستادگی در برابر ظلم و ستم. فرهنگ آزادی و آزادگی، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. فرهنگ همه فضائل و اخلاقیات. تمام فضیلت‌هایی را که روح آدمی می‌پسندد و ریشه در روح خدایی اش دارد، در عاشورا به تصویر کشیده شده است. از قیام بر علیه فساد و ستم گرفته تا حاکمیت عشق میان اعضای خانواده. از شور حسینی گرفته تا شعور حسینی، همه و همه به زیبایی در لوح عاشورا به تصویر کشیده شده است.

اقامه این فرهنگ، نشاندن درختی بود که کسی جز حسین علیه السلام یارای انجام آن را نداشت. حرکت از موطن و مأمن به سوی جایگاهی که می‌دانی «ارباباً اربا» خواهی شد، با تمام عزیزان و خانواده‌ات، نشان از خالصانه‌ترین مکنونات قلبی اباعبدالله برای برپایی عدالت و رهایی از ظلم و بیداد کوردلان سفاک داشت. شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام و یاران باوفای ایشان، دل‌های خفته را بیدار کرد. اسلامی را که در رخوت و بیهوشی به سر می‌برد، به هوش آورد و روح تازه‌ای در کالبد نیمه جان آن دمید. البته این احیاء، منحصر به آن زمان و مکان خاص نبود. معجزه‌ای بود به امتداد تاریخ که هنوز هم آوازه‌اش گوش یزیدیان را کر می‌کند. ایستادگی در برابر ظلم و ستم، همراه با بیدار کردن روح شهادت و شجاعت، از بطن عصری که ارزش‌های دینی در آن رنگ باخته بودند، معجزه‌ای شگرف بود که حسین علیه السلام با یاران باوفا اما اندکش، آن را پدید آورد. معجزه‌ای به بلندای تاریخ. کوهی از زیبایی و رشادت. چشمه‌ای جوشان از ظلم ستیزی و استقامت. چشمه‌ای که هنوز از اعماق تاریخ می‌جوشد و منتظران ظهور را با جرعه‌های آزادی سیراب می‌نماید. این است فرهنگ عاشورا.

فرهنگ انتظار

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ فَرْجِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»

برترین کارهای امت من، انتظار فرج از خداوند عزوجل است. (۱)

انتظار برای رهایی از شرایط نامساعد و امید به فردایی روشن با ظهور منجی موعود، همان عملی است که در احادیث و روایات فراوان، افضل اعمال شمرده شده است. انتظار، مترادف امید است. امید به رحمت الهی و آمدن حجت وعده داده شده و اصلاح

امور به دست با کفایت پرچمدار ائمه اطهار علیهم السلام

انتظار، مبارزه‌ای است که حق طلبان و مهدی باوران، بر علیه تبلیغات سوء و مأیوس کننده دشمنان حقیقت، آغاز کرده‌اند. تبلیغاتی که سعی در ناامید کردن شیعیان دارد. اینکه منجی موعود، خیالی بیش نیست و یا، سال‌ها پیش به سرنوشت پدرانش دچار شده است. اینکه ظهور منجی، پس از قرن‌ها واقعه‌ای تخیلی است که هرگز رخ نخواهد داد. آرمانی است که صاحبان آن، تحت تأثیر خرافات و توهّمات به آن شکل داده‌اند. با چنین سم پراکنی‌هایی، قطعاً مبارزه کار دشواری خواهد بود. به همین دلیل است که گفته شده: «انتظار فرج افضل اعمال است». اما انتظار، فقط به معنی چشم به راه بودن نیست. منتظر، خار مغیلان از ره، بر می‌چیند. منتظر سنگ از پیش پای محبوب برمی‌دارد. منتظر، در رفع موانع می‌کوشد، منتظر در می‌گشاید... اصلاً فرهنگ انتظار همین است. وظیفه منتظر در عصر غیبت، مبارزه با بدفهمی‌هاست. مبارزه با شبهه افکنی‌ها و دروغ پردازی‌ها و خرافه گویی‌هاست.

رابطه فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار

فرهنگ انتظار، ریشه در فرهنگ عاشورا دارد. عاشورا، یک واقعه به جامانده در تاریخ نیست. عاشورا راه است، عاشورا مسیر است. مسیری تا خود بهشت. عاشقانی که بنا نبود در کنار اباعبدالله باشند، اینک در مسیری که خون آن حضرت تا بهشت، پل زده است، آداب انتظار را به جای می‌آورند تا مگر به هنگام فرج، پشت در پشت هم، به یاری قائم آل محمد وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ برخیزند و بقایای کاخ‌های استبداد امویان را که در گذر زمان، تغییر نام داده‌اند، برچینند.

فقط یک عاشورایی می‌تواند مهدویت را ترجمه کند. حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام دو بال یک معنی‌اند. بی حسین نمی‌شود به مهدی رسید و فارغ از مهدی نمی‌توان زیر لوای سیدالشهدا نفس کشید. نام حسین علیه السلام به نام مهدی علیه السلام گره خورده است. هر دو، پرچمدار مبارزه و قیامت. حسین علیه السلام پرچمدار مبارزه با ظلم و فساد امویان و قیام بر علیه حکومت فاسق یزید و مهدی علیه السلام پرچمدار مبارزه با ظلم و فساد همه طاغوتیان و

قیام بر علیه تمام حکومت‌های فاسق عالم. این همه قرابت و پیوستگی دلیل محکمی است بر ادامه آن تا ظهور... بی راه نیست اگر بگوییم که مسیر ظهور از کربلا می‌گذرد.

ارتباط عاشورا و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ظهور در امتداد عاشورا است و مسیری که مهدی علیه السلام پس از ظهور، از مکه تا کوفه خواهد پیمود، همان مسیری است که حسین علیه السلام قصد داشت از مکه تا کوفه پیماید. اما با حیل و مکر ابن زیاد و غفلت کوفیان به پایان نرسید و کربلا، نقطه عطف این هجرت شد. نقطه عطفی برای طول تاریخ و برای تمام عالمیان. کربلا دیگر یک شهر نیست. کربلا نماد یک مکتب است. مکتبی که حق طلبی و حقیقت جویی را تعلیم می‌دهد. مکتبی که بنیانگذار یک فرهنگ شد؛ «فرهنگ عاشورا» و در امتداد آن، «فرهنگ انتظار» برای ظهور قائم آل محمد علیه السلام.

قیام امام زمان علیه السلام در عاشورا

احادیث و روایات بسیاری درباره ظهور امام زمان علیه السلام روایت شده که وقوع آن را در روز عاشورا وعده داده‌اند. البته زمان ظهور سّری است که فقط خداوند از آن آگاه است. اما اشاراتی از جانب معصومین علیه السلام در این باب ذکر شده که در واقع، کد رهگیری رابطه این دو قیام است. در اینجا به چند مورد از احادیث مذکور، اشاره می‌کنیم:

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: «گویا حضرت مهدی علیه السلام را نظاره می‌کنم که روز شنبه مقارن با روز عاشورا، میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا سر می‌دهد که این بیعت، برای خداست. پس، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان سان که پر از ظلم و ستم شده بود». (۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مهدی علیه السلام در شب بیست و سوم ماه رمضان، به نام مبارکش خوانده می‌شود و قیام او، در روز عاشورا است. همان روزی که حسین علیه السلام در آن کشته شد». (۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «قائم علیه السلام در روز شهادت جدم حسین علیه السلام یعنی عاشورا، قیام خواهد کرد. گویا در آن شنبه‌ای که قیام رخ خواهد داد، همراه او هستم و او را می‌بینم که بین رکن و مقام ایستاده و حضرت جبرئیل (امین الله) ندا سر می‌دهد که این بیعت برای خداست. شیعیان مهدی علیه السلام از اطراف عالم با طی الارض جمع شده و با ایشان بیعت می‌نمایند و خداوند توسط او جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همانطور که پر از ستم و جور شده بود».

امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «آیا می‌دانید که عاشورا چه روزی است؟ همانا آن، روزی است که توبه حضرت آدم و حوا (علیهم السلام) به درگاه خداوند پذیرفته شد. روز پیروزی موسی بر فرعون و غرق شدن فرعونیان است. روز پذیرفته شدن توبه حضرت یونس (علیه السلام) و روز تولد حضرت ابراهیم (خلیل الله) است. روز شهادت جدم حسین (علیه السلام) و روز قیام حضرت مهدی (علیه السلام) است». (۴)

در روایت دیگری از ایشان اینطور آمده است: «زمان گردهمایی قائم (علیه السلام) و شیعیان او که از نقاط مختلف جهان هستند شب جمعه مقارن با شب نهم محرم الحرام و در مکه خواهد بود».

نکته: در مورد اختلاف روایات برای روز ظهور، که جمعه یا شنبه خواهد بود، ذکر این توضیح الزامی است که؛ بنابر احادیث و روایات، جمعه روز ظهور معرفی شده و شنبه‌ای که مقارن با روز عاشورا است، روز قیام آن حضرت و برپایی حکومت جهانی ایشان ذکر شده است. از این رو تناقضی میان روایات وجود ندارد. (۵)

کلام آخر

ظهور مهدی (علیه السلام) پاسخ ندای مظلومانه حسین (علیه السلام) است که غریبانه فریاد می‌زد: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي».

پرچم قائم (علیه السلام) همان پرچم سیدالشهدا است که در کربلا به جای ماند و به کوفه نرسید. مهدی (علیه السلام) ظهور خواهد کرد و حرارتی را که در دل شیعیان مؤمن به وجود آمده تا نگذارد مشعل حق و حقیقت خاموش شود، به خنکای وصل خواهد رسانید. به یقین حماسه‌ای که در عاشورا رقم خورد، رمز حیات اسلام و مسلمین است. خون تازه‌ای که در رگ‌های زخمی امت رسول الله جاری شد، نفس گرمی که کالبد بی‌جان دین اسلام را حیاتی دوباره بخشید. حماسه قیام مهدی (علیه السلام) نیز اسلام محصور در حصارهای ظلم و ستم را، جانی دوباره خواهد بخشید و جهان را مملو از عدل خواهد نمود. عدالتی فراگیر که اصول دین اسلام بر پایه آن استوار است. پیوند ناگسستنی این دو قیام، به زعم دشمنان اسلام و مهدویت، بزرگترین عامل شکست استکبار است. چنانچه میشل فوکو (فیلسوف خداناباور فرانسوی) در بحث «مبارزه با تفکر مهدویت» دو عامل اساسی و مهم را رمز پایداری شیعه معرفی می‌کند؛ یکی قیام امام حسین (علیه السلام) و مکتب عاشورا و بعد از آن، انتظار مهدی موعود (علیه السلام). (۶) به امید آنکه، پیروان مکتب عاشورا، بیرق انتظار را تا زمان ظهور و انفجار نور بر زمین نگذارند.

پی نوشت ها

۱. بحارالانوار، ج ۵۲
۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰ و الغیبه طوسی، ص ۲۷۴ و کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۲
۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰ و الغیبه طوسی، ص ۲۷۴

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵
۵. منتخب الاثر، فصل ششم، باب نهم، حدیث ۱-۷، ص ۵۷۴-۵۷۶
۶. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۹۸